

کلام امام خمینی:

حضرت امام بحث را در ۳ مقام مطرح می کنند:

«إذا نسخ الوجوب فهل يبقى الجواز؟ و الكلام يقع في مقامات»<sup>۱</sup>

مقام اول: امکان عقلی بقاء جواز

حضرت امام در این مقام ناظر به کلام مرحوم عراقی هستند که ایشان هم بحثی را تحت عنوان مقام اول در همین موضوع مطرح می کنند. حضرت امام کلام مرحوم عراقی را چنین توضیح می دهند:

«قد يقال بإمكانه، بدعوى أنّ الوجوب و إن كان بسيطاً، إلّا أنّه يتضمّن مراتب عديدة، و هي: أصل الجواز، و الرجحان، و الإلزام، فيمكن أن يرتفع بعض المراتب و يبقى الآخر. و بما أنّ الوجوب حقيقة ذات تشكيك فلا حاجة في إثبات مرتبة بعد ارتفاع الأخرى إلى دليل على الفصل، فإنّه بعد ذهاب مرتبة منه يتحدّد قهراً بالأخرى، نظير الحمرة الشديدة التي تزول مرتبة منها فتبقى مرتبة أخرى.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. گفته شده است که بقاء جواز ممکن است چراکه:
۲. وجوب اگرچه بسيط است ولی متضمّن مراتب متعدّدی است: «اصل + رجحان + الزام»
۳. پس ممکن است برخی از مراتب رفع شود و برخی بماند.
۴. [ان قلت: چه دلیلی دارید که با رفتن یک مرتبه، مراتب دیگر باقی است؟]
۵. [قلت:] وجوب یک حقیقت دارای تشکیک است و وقتی یک مرتبه از آن مرتفع شد، لازم نیست دلیلی بر ثبوت مراتب بعدی اقامه کنیم [علی الفصل: هر مرتبه یک جنس دارد و یک فصل و با رفتن یک فصل، لازم نیست دلیل بیاوریم که فصل جدیدی آمده است و مرتبه جدیدی را پدید آورده است]
۶. و با رفتن مرتبه بالاتر (از یک حقیقت دارای تشکیک)، به صورت قهری، جنس با فصل مرتبه پائین تر متحد می شود.

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۷۹

۲. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۷۹



ما می گوئیم:

۱. عبارت فوق نقل مستقیمی است از کلام مرحوم عراقی.<sup>۱</sup>

ظاهر این عبارت از جهاتی با مشکل مواجه است:

الف) جواز، رجحان و الزام مراتب وجوب نیستند، اگر وجوب مراتبی دارد، وجوب شدید و وجوب ضعیف و وجوب اشد است بلکه اگر بخواهیم جواز، رجحان و الزام را نسبت به وجوب بسنجیم، می توانیم بگوئیم تحلیل مفهوم وجوب چنین قیودی را می تواند در تعریف آن مطرح کند.

ب) اینکه وجوب دارای تشکیک است، لازمه اش آن است که وجوب شدید داشته باشیم و وجوب ضعیف، نه اینکه یک مرتبه از مراتب وجوب و استحباب باشد.

۲. اما ممکن است بگوئیم مراد مرحوم عراقی از این عبارت نکته دیگری بوده است:

ایشان می گوید شارع وقتی می خواهد به وجوب برسد، (به اراده ۱۰۰٪)، از جواز عمل شروع می کند و آرام آرام بر آن می افزاید و آن کار در نظرش راجح می شود و بعد از رجحان فراتر می رود و به الزام می رسد. پس «وجوب» گویی یک امری است که در خود هم جواز را دارد و هم رجحان را و هم الزام را. و از هر سه این مراتب گذشته است. حال وقتی شارع می خواهد وجوب را بردارد، **می تواند فقط** همان مرتبه بالاتر را بردارد (مثلا آخرین درصدی که روی بقیه درصدها گذشته و به سرحد الزام رسیده است)

حال در این صورت که همان آخرین درصد را برداشت لازم نیست فصل خاصی را برای رجحان اثبات کند، چراکه اگر از ۱۰۰٪ به ۷۰٪ رسید، در دل هفتاد درصد رجحان موجود است. به عبارت دیگر می توان وجوب را یک ظرف ۱۰۰ لیتری تصویر کرد که قبل از اینکه به ۱۰۰ لیتر برسد، باید ابتدا ۵۰ لیتر (اباحه) شود و بعد ۷۰ لیتر شود (استحباب) و وقتی می خواهد خالی شود، می توان فقط ۳۰ لیتر از آن برداشت پس وجوب یک اراده صددرصدی است که شارع از کم به آن رسیده و وقتی هم می خواهد آن را واگذارد، می تواند مقداری از آن را رفع کند.

توجه شود که مهم ترین نکته در فرمایش مرحوم عراقی آن است که ایشان برای اثبات رجحان و جواز

۱. ن ک: بدایع الافکار، ص ۴۱۳.



محتاج آن نیست که «فصل» خاصی را به جنس ضمیمه کند بلکه به صرف پائین آمدن اراده از اراده حکمی، مرتبه پائین تر از اراده حاصل می شود.

حضرت امام از این مطلب پاسخ می دهند:

«و فيه أولاً: أن الوجوب أمر انتزاعيّ من البعث الناشئ من الإرادة الحتمية، و الأمور الانتزاعية ليست ذات مراتب حتى يأتي فيها ما ذكر و التفاوت بين البعث الإلزامي و الاستحبابي ليس في نفس البعث، بل في منشئه الذي هو الإرادة.

نعم لو كان الوجوب هو الإرادة المظهرة، فباعتبار الإرادة يكون ذا مراتب، لكن المبنى فاسد.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. استدلال مرحوم عراقی باطل است چراکه:
۲. اولاً: وجوب یک مفهوم است که از «بعث ناشی از اراده حتمی و قطعی» ناشی می شود و مفاهیم انتزاعی، دارای مراتب نیستند. [تشکیک در اعتباریات راه ندارد]
۳. و تفاوت بین وجوب و استحباب در بعث نیست بلکه در اراده ای است که اگر حتمی باشد، از آن وجوب انتزاع می شود و اگر حتمی نباشد از آن استحباب انتزاع می شود.
۴. البته اگر مثل دیگران می گفتیم، وجوب «اراده ظهور یافته» است، می شد گفت چون اراده دارای مراتب است، وجوب هم دارای مراتب است.

ما می گوئیم:

۱. در بحث از «مفهوم وجوب» گفته بودیم که مفهوم وجوب از بعث اعتباری شدید انتزاع می شود و استحباب هم مفهومی است که از بعث اعتباری ضعیف انتزاع می شود ولی گفته بودیم که تشکیک در مفاهیم اعتباری هم راه دارد.<sup>۲</sup>
۲. اینکه چرا اگر وجوب را اراده مظهره بدانیم، تصویر مرحوم عراقی صحیح است به این جهت است که:

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۲، ص ۷۹

۲. ن ک: سه رساله فارسی، ص ۳۵۵.



اگر گفتیم وجوب مفهومی است که از اراده حتمی انتزاع می شود، و استحباب مفهومی است که از اراده غیر حتمی انتزاع می شود، می توان گفت:

وقتی آمر اراده حتمی دارد، از این حالت او، یک مفهوم انتزاع می شود که همان وجوب است حال، وقتی این اراده شروع به پائین آمدن کرد و به مراتب پائین تر رسید از آن مرتبه پائین تر و یک مفهوم دیگر که همان استحباب است انتزاع می شود وقتی پائین تر آمد و به سرحد ۵۰٪ رسید، از آن یک مفهوم دیگر (جواز) انتزاع می شود.

۳. ولی اگر گفتیم وجوب مفهوم انتزاع شده از «بعث» است (و بعث ناشی از اراده است) در این صورت سخن مرحوم عراقی کامل نیست چراکه: ملاک در وجوب، «بعث» است و اگر بعث مرتفع شد، دیگر هیچ چیزی باقی نمی ماند پس اگرهم اراده در مراتب پائین تر باقی باشد ولی چون بعث نشده است، حکمی پدید نیآمده است به عبارت دیگر:

مطابق مبنای ما، «جواز» حکم انشاء شده است یعنی یک اعتبار عقلایی انشاء شده است و استحباب هم اعتبار عقلایی بعث ضعیف است و وجوب هم عقلای بعث شدید است. حالی وقتی «بعث شدید اعتباری» رفع شد و نسخ شد، حتی اگر اراده در مراتب پائین تر باقی باشد ولی چون «بعث ضعیف اعتباری» [یا: اعتبار عقلایی بعث ضعیف] حاصل نشده است، استحباب موجود نیست و چون «اعتبار عقلای جواز» جعل نشده است، اباحه هم موجود نیست.

